

رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی: با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی

محمد مرادی*، فاطمه محقق**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی با در نظر گرفتن نقش حاکمیت شرکتی می‌باشد. در واقع پژوهش حاضر بر آزمون تجربی اثر حاکمیت شرکتی بر رابطه رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی متمرکز شده است. برای طراحی شاخصی که متغیر حاکمیت شرکتی را اندازه‌گیری کند از روش تاپسیس استفاده شده است. در این شاخص از شش معیار اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حسابرس مستقل به عنوان ورودی استفاده می‌شود. نمونه پژوهش، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، بر این رابطه به صورت معکوس، اثرگذار بوده و از شدت این رابطه می‌کاهند.

واژه‌های کلیدی: رقابت بازار محصول، حق الزحمه حسابرسی، حاکمیت شرکتی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

مقدمه

وظیفه اصلی حسابرِس، اعتباربخشی به صورت‌های مالی است. وی در مقابل ارائه این خدمت، منفعی از صاحبکار طلب می‌کند. این منافع از طریق حق‌الزحمه حاصل از انعقاد قرارداد با صاحبکار کسب می‌شود (خشوئی، رجبی؛ ۱۳۸۷). حسابر سان جهت قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند. یکی از عوامل موثر بر میزان حق‌الزحمه حسابرِس، رقابت بازار محصول می‌باشد (دیانتی و همکاران، ۱۳۹۴).

منظور از رقابتی بودن بازار محصول این است که شرکت‌های مختلف در تولید و فروش کالا رقابت تنگاتنگی دارند و کالا‌های آن‌ها نسبت به دیگری برتری چندانی ندارد. (خدمای‌پور، برزایی؛ ۱۳۹۲). در شرایط رقابتی بازار محصول، هر شرکت تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا بهترین عملکرد را از خود به نمایش گذاشته و از سایر رقبای خود پیشی گیرد. گذشت زمان و گسترش ارتباطات منجر به افزایش اهمیت میزان رقابت بازار محصول شده است.

با توجه به نتایج متناقض مطالعات پیشین، ارتباط بین رقابت بازار محصول و میزان حق‌الزحمه حسابرسی با استفاده از دو دیدگاه کاملاً متفاوت توجیه می‌شود. بر اساس دیدگاه اول، با توجه به نظریه نمایندگی، تضاد منافع بالقوه‌ای بین مدیر و مالک وجود دارد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). به همین سبب مدیران در شرایط رقابتی بازار محصول، برای کاهش این تضاد منافع و حضور در صحنه رقابت، تمام تلاش خود را به کار گرفته و شفافیت اطلاعاتی را تا حد امکان افزایش می‌دهند (هارت، ۱۹۸۳). افزایش شفافیت اطلاعاتی منجر به کاهش ریسک حسابرسی و به تبع آن سبب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود (کلاگ، ۱۹۸۴).

بر اساس دیدگاه دوم، وجود رقابت در بازار محصول، ریسک ورشکستگی و نقدینگی شرکت را افزایش می‌دهد (نیوتن، ۱۹۹۸). در این شرایط ریسک تجاری شرکت با توجه به افزایش احتمال ریسک ورشکستگی و نقدینگی در سطح بالایی مورد ارزیابی قرار گرفته و منجر به افزایش ریسک حسابرسی و میزان حق‌الزحمه خواهد شد (بل و همکاران، ۲۰۰۱).

از طرفی سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند از طریق اعمال کنترل و نظارت بر مدیریت باعث حفظ منافع ذینفعان شده و تضاد منافع بالقوه بین مدیر و مالک را کاهش دهند و به دنبال آن ریسک حسابرسی نیز کاهش می‌یابد (آنگ و همکاران، ۲۰۰۰ مک نایت و ویر، ۲۰۰۹؛

سینگ و دیویدسون، ۲۰۰۳؛ کراچی و همکاران، ۱۹۹۹؛ روستن استین و ویات، ۱۹۹۰؛ فلورایکس، ۲۰۰۸). همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نقش مهمی در کاهش ریسک ورشکستگی ایفا می‌کنند (لاکشان و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به این موضوع که ریسک ورشکستگی تابعی از ریسک تجاری و ریسک مالی است می‌توان نتیجه گرفت سازوکارهای حاکمیت شرکتی در کاهش ریسک تجاری موثر خواهند بود. بر اساس مطالب پیش گفته، حاکمیت شرکتی از طریق اثرگذاری بر دو مولفه ریسک تجاری و ریسک حسابرسی باعث تعدیل رابطه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی خواهد شد.

ارتباط بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی در ادبیات پژوهش از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است (وانگ، چویی؛ ۲۰۱۵. دیانتی و همکاران، ۱۳۹۴). لیکن با توجه به مبانی پیش گفته، اثر حاکمیت شرکتی بر این رابطه به شکل تجربی برای اولین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی

بر اساس ادبیات موضوع، دو دیدگاه کاملاً متفاوت درباره رابطه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی وجود دارد: نظریه نمایندگی و نظریه ریسک تجاری. بر اساس نظریه نمایندگی، با پیچیده‌تر شدن و گسترش روزافزون حجم فعالیت شرکت‌ها، مالکان به تنهایی قادر به اداره شرکت خود نبوده و در نتیجه، اداره امور را به مدیران تفویض می‌کنند. این تفویض اختیار، یک رابطه نمایندگی بین مدیر و مالک، شکل می‌دهد. با ایجاد رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین در پی به حداکثر رساندن منافع شخصی خود می‌باشند. مسئله مهم آن است که الزاماً تابع مطلوبیت مدیر مشابه تابع مطلوبیت مالک نیست، از این رو تضاد منافع بالقوه‌ای بین طرفین قرارداد شکل می‌گیرد که این تضاد منافع باعث ایجاد هزینه نمایندگی می‌شود (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). مدیران در شرایط رقابتی بازار محصول، برای حضور در صحنه رقابت، صورت‌های مالی با قابلیت اتکای بیشتری ارائه می‌کنند (هارت، ۱۹۸۳). به سبب وجود شفافیت اطلاعاتی، هزینه نمایندگی ایجاد شده، کاهش یافته (ستایش و همکاران، ۱۳۸۹) و به دنبال آن ریسک حسابرسی کمتری توسط حسابرسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. کاهش ریسک حسابرسی شناسایی شده از سوی حسابرسان، منجر به کاهش ماهیت، زمانبندی

اجرا و حدود روش‌های حسابرسی می‌شود. چنانچه حسابرسان زمان انجام کار را کمتر از اندازه برآورد کنند، حق الزحمه کمتری را طلب خواهد کرد (باغی، ۱۳۹۴).

پژوهش‌های مختلفی وجود دارند که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم استدلال نموده‌اند که رقابت بازار محصول از طریق کاهش ریسک حسابرسی باعث کاهش میزان حق الزحمه خواهد شد. کریستی و زیمرمن (۱۹۹۴)، بر این باورند مدیرانی که برای شرکت ارزش افزوده مناسبی ایجاد نکرده‌اند، انگیزه بیشتری برای دستکاری اطلاعات حسابداری و پنهان کردن عملکرد نامطلوب خود دارند. نتایج حاصل از پژوهش گریفین و لونت (۲۰۱۱) حاکی از آن بود که در شرایط رقابتی بازار محصول به دلیل کاهش هزینه نمایندگی، میزان حق الزحمه حسابرسی نیز کاهش می‌یابد. جاگی و ژول (۲۰۰۵)، نشان دادند که افزایش ریسک حسابرسی و افزایش تلاش‌ها در نتیجه چنین ریسکی موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. برایان و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود از طریق بازخرید سهام و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان استدلال نمود که افزایش احتمال مدیریت سود از طریق افزایش سطح ریسک حسابرسی، میزان حق الزحمه درخواستی از سوی حسابرسان را افزایش خواهد داد.

در نظریه ریسک تجاری، شرکتی که در یک بازار رقابتی قرار دارد به میزان بیشتری در معرض ریسک نقدینگی و ریسک ورشکستگی قرار می‌گیرد (نیوتن، ۱۹۹۸). در این شرایط حسابرسان، ریسک تجاری صاحبکار را در سطح بالایی ارزیابی می‌کند. افزایش ریسک تجاری صاحبکار نیز منجر به افزایش ریسک حسابرسی می‌شود. ریسک حسابرسی ارزیابی شده از سوی حسابرسان، منجر به افزایش کار حسابرسی شده و میزان حق الزحمه حسابرسی را افزایش خواهد داد (بل و همکاران، ۲۰۰۱).

در این زمینه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم استدلال فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد. اومالی (۱۹۹۳) بیان می‌کند که هرگاه فردی متحمل زیان مالی شده باشد، حتی در صورت عدم وجود هر گونه تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی، می‌تواند از حسابرسان شرکت شکایت کند. پالمورس (۱۹۸۷) به وجود رابطه مستقیم و معناداری بین ورشکستگی و دعاوی حقوقی علیه حسابرسان پی برد. بل و همکاران (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که حق الزحمه حسابرسی برای صاحبکاران پریسک، بالاتر می‌باشد. علاوه

بر این مورگان و استاکن (۱۹۹۸) دریافته‌اند که میزان حق الزحمه حسابرسی با افزایش سطح ریسک تجاری افزایش می‌یابد. اشمیت (۱۹۹۷) در پژوهش خود بر این باور بود که رقابت بازار محصول، احتمال انحلال شرکت را افزایش می‌دهد. اوکیف و همکاران (۱۹۹۴) در پژوهش خود ادعا کردند که شرکت‌های موجود در صنایع رقابتی نسبت به سایر شرکت‌ها، ریسک تجاری (صاحبکار) بیشتری دارند. که این ریسک تجاری صاحبکار نیز به نوبه خود بر ریسک تجاری حسابرسی تأثیر می‌گذارد. وانگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل شده حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی بود.

اثر حاکمیت شرکتی بر رابطه رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی

سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی، ابزاری است که از طریق آن می‌توان شفافیت شرکتی را بهبود بخشید (حساس یگانه، ۱۳۹۵). طبق مطالعات نظری (آننگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ مک نایت و ویر، ۲۰۰۹؛ سینگ و دیویدسون، ۲۰۰۳؛ کراچی و همکاران، ۱۹۹۹؛ روستن استین و ویات، ۱۹۹۰؛ فلورایکس، ۲۰۰۸) شماری از سازوکارهای حاکمیت شرکتی وجود دارد که در صورت وجود منجر به کاهش هزینه نمایندگی می‌شوند. ذینفعان شرکت به وسیله این سازوکارها می‌توانند بر مدیران و اعضای هیئت‌مدیره به گونه‌ای اعمال کنترل نمایند که منافع آن‌ها حفظ شود. به عبارت دیگر حاکمیت شرکتی ابزاری است که بر مبنای آن ذینفعان مختلف با اعمال قوانین خاصی که در چارچوب مقررات و آیین‌نامه شرکت گنجانده می‌شود، بر شرکت اعمال کنترل می‌کنند (جنسن، مک لینگ؛ ۱۹۷۶). حفظ منافع ذینفعان و اعمال کنترل بر عملکرد شرکت از طریق سازوکارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش تضاد منافع بین مالکان و مدیران و هزینه نمایندگی خواهد شد. همچنین دیلمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین شاخص ترکیب هیأت‌مدیره (به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی) و نوسان بازده سهام، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. کارکرد اصلی هیأت‌مدیره، نظارت بر عملکرد مدیران، کاهش هزینه نمایندگی و حفاظت از منافع سهامداران است. لذا می‌توان بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش استدلال نمود ترکیب مناسب هیأت‌مدیره از طریق کاهش هزینه نمایندگی می‌تواند بر رابطه بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد.

همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی از طریق اعمال کنترل بر شرکت می‌توانند نقش مناسبی در کاهش ریسک ورشکستگی ایفا کنند (لاکشان و همکاران، ۲۰۱۲). ریسک ورشکستگی تابعی از ریسک تجاری و ریسک مالی است؛ یعنی ترکیبی از این دو نوع ریسک می‌تواند شرکت را به ورشکستگی بکشاند.

بنابراین یکی از عوامل موثر بر ریسک تجاری و ریسک ورشکستگی، وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی است. یافته‌های حاصل پژوهش لاکشان و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد، حاکمیت شرکتی با احتمال وقوع ورشکستگی رابطه منفی دارد. نتایج پژوهش ایلیر و همکاران (۲۰۰۸) حاکی از آن است که شرکت‌های با درصد بالای اعضای غیرموظف هیئت مدیره و مالک - مدیران، کمتر در معرض ورشکستگی قرار دارند. برانو و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، هزینه بدهی کمتر و اعتبار بیشتری داشته و احتمال ورشکستگی آن‌ها در سطح پایین‌تری ارزیابی می‌شود. گاپتا و همکاران (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند در شرکت‌هایی با رقابت شدید، سازوکارهای حاکمیت شرکتی از اهمیت کمتری برخوردار هستند. حساس یگانه (۱۳۹۵) در پژوهش خود استدلال نمود که سازوکارهای حاکمیت شرکتی منجر به کاهش مدیریت سود واقعی شده و بدین طریق ریسک تجاری شرکت نیز کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش ستایش و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که در صد مدیران غیرموظف هیأت مدیره یکی از دلایل ورشکستگی شرکت‌ها به شمار می‌رود.

بر اساس مطالب پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت که سازوکارهای حاکمیت شرکتی از طریق اعمال کنترل بر شرکت می‌توانند "رابطه نمایندگی" و همچنین "ریسک تجاری" (که توجیه‌کننده رابطه بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی هستند) را تحت تأثیر قرار دهند و طبعاً رابطه بین متغیرهای مذکور را تعدیل کنند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه بیان شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

فرضیه ۱: بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی موثر است.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس شیوه جمع‌آوری داده‌ها در حوزه تحقیقات توصیفی حسابداری قرار داشته و از جنبه هدف، کاربردی و از نظر روش از نوع همبستگی - تحلیل رگرسیون می‌باشد. در این پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران و سامانه اطلاع‌رسانی ناشران کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین برای تأیید درستی یا نادرستی فرضیه‌های مطرح شده، استفاده شده است. شایان ذکر است، تجزیه تحلیل نهایی داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای Stata و EViews انجام گرفته است.

مدل پژوهش و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

مدل پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$\text{Laf}_{ijt} = a_0 + \beta_1 \text{Hindex}_{jt} + \beta_2 \text{Hindex}_{jt} \times \text{CG}_{it} + \beta_3 \text{CG}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{ijt} + \beta_5 \text{Current}_{ijt} + \beta_6 \text{Quick}_{ijt} + \beta_7 \text{Roa}_{ijt} + \beta_8 \text{Lev}_{ijt} + \beta_9 \text{Loss}_{ijt} + \beta_{10} \text{Switch}_{ijt} + \beta_{11} \text{IPO}_{ijt} + \varepsilon_{ijt} \quad (1) \text{ مدل}$$

که در این مدل متغیرها به شرح زیر تعریف عملیاتی می‌شوند:

Laf_{ijt} : لگاریتم طبیعی میزان حق الزحمه حسابرسی

Hindex_{jt} : لگاریتم طبیعی شاخص هرفیندال هریشان برای محاسبه رقابت بازار محصول

CG_{it} : شاخص حاکمیت شرکتی i در دوره t

Size : لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت

ROA : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

Current : نسبت دارایی جاری به کل بدهی‌های جاری

Quick : نسبت دارایی‌های جاری به جز موجودی کالا به بدهی جاری

IPO: در صورت عرضه اولیه سهام برابر با (۱) و در غیر این صورت (۰) خواهد بود.

Lev: بدهی بلندمدت نسبت به کل دارایی‌ها

Loss: در صورت وجود زیان خالص برابر با (۱) و در غیر این صورت (۰) خواهد بود.

Switch: اگر موسسه حسابرسی تغییر کند برابر با (۱) و در غیر این صورت (۰) خواهد بود.

ε: خطای برآورد

متغیرهای پژوهش

حق الزحمه حسابرسی: در این پژوهش متغیر وابسته، حق الزحمه حسابرسی است که به صورت لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی در مدل وارد می‌شود.

رقابت بازار محصول: متغیر مستقل نیز رقابت بازار محصول می‌باشد. برای اندازه‌گیری میزان رقابت بازار محصول از شاخص هرفیندال هیرشمن استفاده شده است. هدف اصلی این شاخص محاسبه وضعیت رقابتی (انحصار) در بازار محصول می‌باشد. این شاخص به صورت مجموع مربعات درصد سهام بازار تعریف می‌گردد.

$$Herfindahl - index = \sum_{i=1}^N \left(\frac{S_i}{S}\right)^2$$

در این شاخص N نشان دهنده تعداد شرکت مورد بررسی است. درآمد فروش شرکت i ام با نماد S_i نشان داده شده است و S نشان دهنده کل درآمد فروش در صنعت می‌باشد. هر چقدر این شاخص بزرگتر باشد بدین معنی است که صنعت متمرکزتر است (هو و رابینسون، ۲۰۰۶). برای کنترل چولگی نسبت تمرکز، این متغیر به صورت لگاریتم طبیعی شاخص هرفیندال-هیرشمن وارد مدل می‌شود.

حاکمیت شرکتی: متغیر تعدیل‌کننده پژوهش، شاخص حاکمیت شرکتی می‌باشد. با استفاده از روش تاپسیس، شاخصی به منظور رتبه‌بندی شرکت‌های نمونه بر اساس حاکمیت شرکتی ساخته شده است. مهرانی، نوروزی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود برای سنجش شاخص حاکمیت شرکتی از این روش استفاده کرده‌اند. شاخص مزبور از شش معیار اندازه‌های

مدیره، استقلال هیأت مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل، مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و حسابرس مستقل تشکیل شده است.

مدل تاپسیس توسط هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد. این مدل یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است و از آن استفاده زیادی می‌شود. در این روش m گزینه بو سیله n شاخص، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اساس این تکنیک بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، بطور یکنواخت افزایشی یا کاهششی است.

معیارهای مورد استفاده در سنجش شاخص حاکمیت شرکتی به شرح زیر تعریف عملیاتی می‌شوند:

- اندازه هیأت مدیره: تعداد اعضای هیأت مدیره
 - استقلال هیأت مدیره: استقلال هیأت مدیره به صورت تعداد اعضای غیرموظف (مستقل) در ترکیب هیأت مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره تعریف عملیاتی می‌شود.
 - دوگانگی وظایف مدیرعامل: برای شرکت‌هایی که مدیرعامل رئیس هیأت مدیره است مقدار این معیار عدد (۱) و برای سایر شرکت‌ها (۰) در نظر گرفته شده است.
 - مالکیت نهادی: منظور از مالکیت نهادی در صدی از سهام یک شرکت سهامی است که متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و... می‌باشد.
 - تمرکز مالکیت: تمرکز مالکان نهادی به وسیله شاخص هر فیندال هریشن محاسبه می‌شود.
 - نوع حسابرس مستقل: اگر امتیاز کنترل کیفیت حسابرس الف باشد، عدد (۱) و در غیر این صورت عدد (۰) اختصاص می‌یابد.
- شرکت‌هایی که بر اساس این شاخص رتبه حاکمیت شرکتی بزرگتر و نزدیک به یک دارند، نسبت به سایر شرکت‌ها از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی مطلوب‌تری برخوردار می‌باشند.

اندازه شرکت: یکی از عوامل موثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی، اندازه صاحبکار می باشد (سیمونیک، ۱۹۸۰) که به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت مورد سنجش قرار گرفته است.

بازده دارایی ها: با توجه به اینکه هر چه بازده دارایی ها بیشتر باشد، ریسک ورشکستگی در سطح پایین تری مورد ارزیابی قرار می گیرد، ضریب منفی برای این متغیر، پیش بینی می گردد (وانگ، چویی؛ ۲۰۱۵).

نسبت جاری: این نسبت به هر میزان، بیشتر باشد، ریسک ورشکستگی در سطح پایین تری مورد ارزیابی قرار می گیرد (گریفین، لونت؛ ۲۰۱۱).

نسبت آبی: به سبب آنکه مقدار بالای این متغیر به کاهش ریسک ورشکستگی دلالت دارد، انتظار می رود دارای ضریب منفی باشد (وانگ، چویی؛ ۲۰۱۵).

عرضه اولیه سهام: با توجه به اینکه حسابرسان در سال اولیه عرضه سهام، متحمل کار و هزینه بیش از حد معمول خواهند شد، به همین دلیل تمایل دارند حق الزحمه بیشتری را به صاحبکار اعمال کنند (ونکاتارامن و همکاران، ۲۰۰۸).

نسبت بدهی: افزایش در نسبت بدهی به علت تأکید بر رابطه نمایندگی بین مدیریت و اعتباردهندگان، تقاضا برای خدمات حسابرسی و میزان حق الزحمه را افزایش خواهد داد (خشوئی، رجبی؛ ۱۳۸۷).

زیان خالص: انتظار می رود ضریب متغیر زیان خالص، مثبت باشد. زیرا ریسک دعوی حقوقی در سال های زیان ده بیشتر بوده و تلاش بیشتر حسابرسی مورد نیاز خواهد بود (وانگ، چویی؛ ۲۰۱۵).

تغییر موسسه حسابرسی: گریفین، لونت (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تغییر موسسه حسابرسی به صورت معناداری بر میزان حق الزحمه حسابرسی اثر گذار می باشد.

جامعه، نمونه، دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در بازه زمانی ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۳ است. در انتخاب نمونه آماری شرایط زیر اعمال شده است:

۱. از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته باشند.
 ۲. شرکت‌ها نباید جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و... باشند.
 ۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط فوق، تعداد نمونه آماری برابر ۹۵ شرکت معادل ۵۷۰ سال-شرکت گردید. برای کاهش اثر داده‌های پرت بر کل متغیرها، مشاهدات خارج از دامنه سه انحراف معیار نسبت به میانگین حذف شدند و تعداد کل مشاهدات به ۵۵۷ سال-شرکت رسید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش به شرح نگاره (۱) ارائه شده است. نگاره (۱) نشان می‌دهد بازده دارایی‌های شرکت‌های نمونه به طور میانگین ۱۳/۱۷ درصد است. نسبت بدهی به طور متوسط ۶۰ درصد است. مجموع دارایی‌های جاری شرکت‌های نمونه ۱/۳۵ برابر بدهی‌های جاری است. همچنین دارایی‌های جاری به غیر از موجودی کالا نیز ۸۱ درصد بدهی جاری را تشکیل می‌دهد. میانگین تغییر موسسه حسابرسی (۰/۱۸) نشان دهنده آن است که تعداد کمی از شرکت‌های نمونه در دوره پژوهش تمایل به تغییر موسسه حسابرسی خود داشته‌اند. میانگین متغیر زیان خالص نیز (۰/۰۷) نشان دهنده آن است که بخش عمده شرکت‌های نمونه در طول دوره پژوهش در زمره شرکت‌های سودده قرار داشته‌اند.

تکانه (۱): آمار توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	کمینه	میانه	بیشینه
لگاریتم طبیعی حق الزحمه	۱۹/۹۷	۰/۸۲	۰/۱۸	۴/۶۸	۱۶/۵۲	۱۹/۹۱	۲۳/۷۱
لگاریتم طبیعی رقابت بازار محصول	-۳/۷۴	۱/۹۹	-۱/۲۲	۴/۴۴	-۹/۸۱	-۳/۵۴	-۰/۴۸
لگاریتم طبیعی شاخص حاکمیت شرکتی	-۱/۳۱	۰/۳	۰/۴۵	۷/۳۹	-۱/۳۱	-۰/۱۱	-۲/۶۱
لگاریتم طبیعی رقابت در حاکمیت شرکتی	-۴/۹۷	۲/۲۱	-۰/۷۸	۴/۱۱	-۴/۸۶	-۰/۱۱	-۱۱/۱۶
اندازه شرکت	۲۰/۴	۱/۴۸	-۰/۲	۴/۰۶	۱۳/۴۸	۲۰/۴۴	۲۴/۴۹
نسبت جاری	۱/۳۵	۰/۶۵	۱/۳۵	۵/۶	۰/۲۲	۱/۲۳	۴/۲۶
نسبت آنی	۰/۸۱	۰/۴۵	۱/۳۳	۶/۳۵	۰/۰۷	۰/۷۸	۲/۸۹
بازده دارایی ها	۱۳/۱۷	۱۱/۹۲	۰/۴۷	۴/۰۵	-۲۸/۲۶	۱۱/۶۴	۵۹/۲۲
نسبت بدهی	۰/۶	۰/۱۹	۰/۱۶	۳/۱۸	۰/۱۱	۰/۶۱	۱/۱۷
تغییر موسسه حسابرسی	۰/۱۸	۰/۳۹	۱/۶۲	۳/۶۳	۰	۰	۱
زیان خالص	۰/۰۷	۰/۲۶	۳/۲۷	۱۱/۶۶	۰	۰	۱
عرضه اولیه سهام	۰/۰۱	۰/۱	۹/۴۸	۹۰/۸۴	۰	۰	۱

و در نهایت با توجه به رقم میانگین مربوط به متغیر عرضه اولیه سهام می توان استدلال نمود که بخش بسیار کمی از شرکت ها در طول دوره پژوهش، سهام خود را برای اولین بار عرضه نموده اند. سه متغیر تغییر موسسه حسابرسی، زیان خالص و عرضه اولیه سهام نیز از جمله متغیرهای دوگانه در این پژوهش در نظر گرفته شده اند.

آزمون فرضیه های پژوهش

در این پژوهش برای آزمون "خودهمبستگی سریالی اجزای خطا"، "همخطی" و "ناهمسانی واریانس اجزای خطا" به ترتیب از "آماره دورین واتسون"، "عامل تورم واریانس (VIF)" و "آزمون وایت" استفاده شده است. همچنین به منظور انتخاب روش برآورد مدل به صورت ترکیبی یا تلفیقی از آزمون F لیمر و به منظور انتخاب رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است.

در ارتباط با آزمون خود همبستگی سریالی (استقلال) اجزای خطا با توجه به میزان آماره دورین واتسون (۰/۷۸) فرضیه عدم وجود خود همبستگی سریالی بین اجزای خطا رد می‌شود. برای رفع خودهمبستگی سریالی خطا یک جزء جدید تحت عنوان AR به سمت راست معادله اضافه شده است. این عمل منجر به بهبود آماره دورین واتسون مدل مورد بررسی خواهد شد. در نهایت با اضافه کردن جزء AR با مرتبه (۲)، آماره دورین واتسون به عدد ۱/۹۳ ارتقا یافته و مشکل مدل برطرف گردید.

به منظور بررسی هم خطی بین متغیرهای مستقل از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. با توجه به اینکه مقادیر آماره VIF برای سه متغیر اصلی مدل (شاخص هرفیندال هیرشمن، رقابت بازار محصول در شاخص حاکمیت شرکتی و شاخص حاکمیت شرکتی) بسیار بیشتر از ۱۰ می‌باشد، از این رو هم خطی شدیدی بین متغیرهای مذکور وجود دارد. با عنایت به وجود متغیر تعدیل کننده در مدل، وجود هم خطی دور از انتظار نیست. به منظور برطرف کردن همخطی ایجاد شده در مدل از روش متمرکزسازی استفاده شده است. در این روش متغیر تعدیل کننده، حول محور میانگین متمرکز شده است. مطابق با نتایج نمایش داده شده در نگاره (۲) همخطی بین متغیرهای مستقل پژوهش از طریق متمرکزسازی متغیر تعدیل کننده، برطرف شده است.

نگاره (۲): آزمون همخطی توسط آماره VIF قبل و بعد از متمرکزسازی

متغیرهای مستقل	عامل تورم واریانس قبل از متمرکزسازی	عامل تورم واریانس بعد از متمرکزسازی
لگاریتم طبیعی رقابت بازار محصول	۳۸۴۷۴۸/۶	۱/۳۵
رقابت بازار محصول و شاخص حاکمیت شرکتی	۴۳۵۹۷۸/۹	۱/۰۴
شاخص حاکمیت شرکتی	۶۴۷۲/۱۴	۱/۳۹
اظهار نظر حسابرسان	۱/۰۷	۱/۰۸
نسبت جاری	۱/۳۲	۱/۳۲
عرضه اولیه سهام	۱/۰۳	۱/۰۳
اهرم مالی	۱/۸۶	۱/۸۷
زیان	۱/۳۳	۱/۳۳
نسبت آنی	۱/۶۷	۱/۶۸
بازده دارایی	۱/۶۸	۱/۶۸
اندازه شرکت	۱/۱۵	۱/۱۵
تغییر حسابرسان	۱/۰۴	۱/۰۴

بر اساس نتایج آزمون وایت، مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد که نشان دهنده عدم رد ناهمسانی واریانس است. به منظور برطرف ساختن ناهمسانی واریانس در این پژوهش از روش تخمین GLS استفاده شده است.

نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در نگاره (۳) درج گردیده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون لیمر و هاسمن مدل

معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون	نوع آزمون
۰	(۳/۵۵)	۱۷/۶۶	F	آزمون F لیمر
۰	۱۲	۲۱/۵۱	χ^2	آزمون هاسمن

با توجه به نتایج فوق، در برآورد مدل باید از روش داده‌های ترکیبی استفاده شود. همچنین با توجه به آزمون هاسمن رویکرد مورد استفاده در برآورد مدل روش اثرات ثابت خواهد بود. در نگاره (۴) نتایج حاصل از برآورد مدل مورد بررسی ارائه گردیده است.

نگاره (۴): نتایج برآورد مدل

معناداری	آماره t	ضریب متغیر	متغیر
۰	۲۶/۲۴	۱۵/۷۸	ضریب ثابت
۰	-۴/۲۸	-۰/۰۵	لگاریتم طبیعی رقابت بازار محصول
۰/۰۴	-۲/۰۶	-۰/۰۵	رقابت بازار محصول و شاخص حاکمیت شرکتی
۰	۳/۴۸	۰/۳۹	شاخص حاکمیت شرکتی
۰/۰۲	-۲/۴۱	-۰/۳۳	نسبت جاری
۰/۱۲	۱/۵۵	۰/۲۷	عرضه اولیه سهام
۰/۰۲	۲/۳۲	۰/۳۸	اهرم مالی
-۰/۱۶	-۱/۴۲	-۰/۱۸	زیان خالص
۰/۰۸	-۱/۷۵	-۰/۱۷	نسبت آنی
۰	-۳/۱۳	-۰/۰۱	بازده دارایی‌ها
۰	۸/۷۵	۰/۲۴	اندازه شرکت
۰/۷۸	-۰/۲۷	-۰/۰۲	تغییر حسابرسی
۰	۱۳/۰۷	۱	جزء اضافه شده (۱)
۰	-۵/۵۲	-۰/۵۲	جزء اضافه شده (۲)
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۶			آماره F: ۴۳/۲۶

با توجه به آماره احتمال F مدل (۴۳/۳۶) معنادار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز حاکی از آن است که ۶۶ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرس، توسط متغیرهای توضیح دهنده در مدل تبیین می‌شود. بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره (۵) سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر رقابت بازار محصول (-۴/۲۸)، کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در سطح معنی داری ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر رقابت بازار محصول در شاخص حاکمیت شرکتی (۴۸.۳) نیز کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در سطح معنی داری ۹۵ درصد، حاکمیت شرکتی بر رابطه بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرس به صورت معکوس اثرگذار است.

همچنین یک رابطه منفی و معنی داری بین نسبت جاری شرکت و بازده دارایی‌ها با میزان حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. علاوه بر این، متغیر اهرم مالی و اندازه شرکت، رابطه مثبت و معنی داری با میزان حق الزحمه حسابرسی دارند. لازم به ذکر است که ضرایب برآورد شده برای متغیرهای مذکور در این مدل و ضرایب پیش بینی شده در مبانی نظری و پیشینه پژوهش یکسان می‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از وجود یک رابطه معکوس بین میزان انحصار (تمرکز) در صنعت و میزان حق الزحمه حسابرسی است. به بیان دیگر در صنایعی که از انحصار بالاتری برخوردارند و در نتیجه میزان رقابت کمتری در آن‌ها مشاهده می‌شود، میزان حق الزحمه حسابرسی کمتری از سوی حسابرسان طلب خواهد شد در نتیجه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه در راستای دیدگاه نظریه ریسک تجاری می‌باشد. بر اساس نظریه ریسک تجاری، شرکتی که در یک بازار رقابتی قرار دارد، در معرض ریسک ورشکستگی بالاتری قرار می‌گیرد. به همین سبب حسابرس، ریسک تجاری صاحبکار را در سطح بالایی ارزیابی و به تبع آن ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. افزایش ریسک حسابرسی منجر به افزایش ماهیت، زمانبندی اجرا و حدود روش‌های حسابرسی شده و در نهایت میزان حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد. نتایج

حاصل از برآورد این مدل، مطابق یافته‌های نیوتون و همکاران (۱۹۹۸)، بل و همکاران، (۲۰۰۱)، اومالی (۱۹۹۳)، پالمورس (۱۹۸۷)، مورگان و استاکن (۱۹۹۸)، اشمیت (۱۹۹۷)، اوکیف و همکاران، (۱۹۹۴) وانگ و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، بر رابطه بین رقابت بازار محصول و میزان حق الزحمه حسابرسی به صورت معکوس، اثرگذار هستند. به عبارت دیگر در شرایط رقابتی بازار محصول، به دلیل بالا بودن میزان ریسک تجاری و به دنبال آن ریسک حسابرسی ارزیابی شده از سوی حساب‌رسان، میزان حق الزحمه بالاتری از سوی آن‌ها درخواست می‌گردد. حال در شرایطی که شرکت صاحبکار دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی مطلوب و مناسبی باشد، اثر رقابت بازار محصول بر میزان حق الزحمه حسابرسی تعدیل خواهد شد و افزایش حق الزحمه حسابرسی به سبب وجود رقابتی بودن بازار محصول به میزان کمتری خواهد بود.

بدین ترتیب نتایج حاصله، مطابق یافته‌های آننگ و همکاران (۲۰۰۰)، مک نایت و ویر (۲۰۰۹)، سینگ و دیویدسون (۲۰۰۳)، کراچی و همکاران (۱۹۹۹)، روستن‌استین و ویات (۱۹۹۰)، فلورایکس (۲۰۰۸)، دیلمی و همکاران (۱۳۹۵)، لاکشان و همکاران (۲۰۱۲)، ایلیر و همکارانش (۲۰۰۸)، برانو و همکاران (۲۰۰۸)، حساس یگانه (۱۳۹۵) می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، به موسسات حسابرسی پیشنهاد می‌گردد که برای تعیین میزان حق الزحمه حسابرسی به رقابتی بودن صنعت مورد نظر توجه نموده و با توجه به عامل مذکور حق الزحمه بهینه‌ای را پیشنهاد دهند. از طرفی شرکت‌های صاحبکار نیز، برای حداقل نمودن میزان حق الزحمه پرداختی به حساب‌رسان می‌توانند میزان رقابت موجود در صنعت و روش‌های کاهش اثرات حاصل از آن را مورد توجه و تجزیه‌تخلیل قرار دهند. در حال حاضر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در کشور ایران به گونه‌ای مناسب نهادینه نشده است، و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌تواند توجه شرکت‌ها و نهادهای مختلف را به این موضوع جلب کند. با توجه به اینکه در این پژوهش اثر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی به صورت غیرمستقیم بر حق الزحمه حسابرسی تشریح شد، می‌توان در پژوهش‌های آتی اثر مستقیم مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر میزان حق الزحمه حسابرسی را مورد سنجش قرار داد. همچنین پیشنهاد می‌شود، جهت سنجش رقابت بازار محصول علاوه بر شاخص هرfindal

هیرشمن، از شاخص‌های دیگری نظیر، شاخص لرنر، و لرنر تعدیل شده نیز استفاده گردد تا اثر آن‌ها بر نتایج مدل ارزیابی گردد.

منابع

- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۲۰، ۲۳-۴۵.
- خدای پور، احمد؛ برزایی، یونس. (۱۳۹۲). بررسی رابطه رقابت بازار محصول با ساختار هیأت مدیره و کیفیت افشا. دانش حسابداری، شماره ۱۴، ۵۱-۶۶.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ بیاتی، مرتضی. (۱۳۹۴). رابطه بین رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرسی مستقل. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۷، ۲۳-۳۸.
- دیلمی، صفیه؛ صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام. پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره (۲۱)، ۱۲۶-۱۱۵.
- رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی چسبندگی حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۸۴، ۴۴۸-۴۳۱.
- ستایش، محمد حسین؛ منصوری، شعله (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای سازوکارهای حاکمیت شرکتی در شرکت‌های درمانده و غیر درمانده مالی پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات مالی دانشگاه تهران، دوره ۱۶، شماره ۱، ۹۹-۱۱۲.
- ستایش، محمد حسین؛ کاظم نژاد، مصطفی (۱۳۸۹). افشا در حسابداری. حسابدار، شماره ۲۲۷، ۶۹-۶۶.
- محمدی خشوئی، حمزه؛ رجبی، روح الله (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، ۳۵-۵۲.
- مهرانی، ساسان؛ نوروزی، سونا (۱۳۹۴). بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود. دانش حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، ۱۰۵-۱۲۲.

- Ang, J. , Cole, R. & Lin, J. (2000). Agency costs and ownership structure. *The Journal of finance*, 55 (1) , 81-106.
- Bell, T. , W. Landsman, and D. Shackelford. (2001). Auditors' perceived business risk and audit fees: Analysis and evidence. *Journal of Accounting Research*, 39: 35-43.
- Bruno Funchal, Fernando Caio Galdi, Alexandro BroedelLopes. (2008). Interactions between Corporate Governance, Bankruptcy Law and Firms' Debt Financing: the Brazilian Case".

- Bryan, David B. , and Mason, Terry (2016). The influence of earnings management conducted through the use of accretive stock repurchases on audit fees. *Advances in Accounting*, 34, 99-109.
- Christie, A. A. , and J. Zimmerman. (1994). Efficient and opportunistic choices of accounting procedures: Corporate control contests. *The Accounting Review*. 69, 539–566.
- Crutchley, C. E. , Jensen, M. R. H. , JarheadJar, J. S. and Raymond, J. E. (1999). Agency problems and the simultaneity of financial decision making: The role of institutional ownership. *International Review of financial Analysis*, 8 (2): 177-197.
- Daylami, S. , safari, M. (2016). The Relation between Corporate Governance Quality and Stock Return Volatility. *Empirical Research in Accounting*, 6 (1) , 115-136. (In Persian)
- Dianati Deylami, Z. , Bayati, M. (2015). The relationship between product market competition and independent auditor fees. *Quarterly journal of financial accounting and auditing research*. 7 (27) , 23-38. (In Persian)
- Eliezer M. Fich & Steve L. Slezak. (2008). Can corporate governance save distressed firms from bankruptcy? An empirical analysis *Rev. Quant Finan Acc*, 30: 225– 251.
- Florackis, C. (2008). Agency costs and corporate Governance mechanisms: Evidence for UK Firms. *International Journal of Managerial Finance*, 4 (1): 37-59.
- Griffin, Paul A. and David H. Lont. (2011). Audit fees around dismissals and resignations: Additional evidence. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 7, PP. 65–81.
- Gupta, A. and Misra, L. (2016). Product-market competitiveness and investor reaction to corporate governance failures. *International Review of Economics & Finance*, 48: 134-147.
- Hart, O. 1983. The market mechanism as an incentive scheme. *Bell Journal of Economics* 14: 366–382.
- Hasas Yeganeh, Y. (2016). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Audit Quality and Real Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 5 (4) , 23-45. (In Persian)
- Hou, K. , and D. Robinson. (2006). Industry concentration and average stock returns. *The Journal of Finance*, 4: 1927–1956.
- Jaggi, B. , and F. Gul. (2005). Evidence of accruals management: A test of the free cash flow and debt monitoring hypotheses. Working paper (The State University of New Jersey, Newark, NJ).
- Jensen, M. & Meek ling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, Agency costs and Ownership Structure. *Journal of financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- Kellogg, R. (1984). Accounting activities, securities, security prices, and class action lawsuits. *Journal of Accounting & Economics* 6: 185–204.

- Khodami Pour, A. , Barzaee, Y. (2013). Investigation on the Relationship between Product Market Competition with Board Structure and Disclosure Quality. *Journal of accounting knowledge*, 4 (14) , 51-66. (In Persian)
- Lakshan, A. m. I, W. m. H. N. Wijeksoon. (2012). corporate governance and corporate failure. *Procedia Economics and Finance*, 2 (1): 191-198.
- McKnight, F. , Weir, C. (2009). Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The Quarterly Review of Economics and finance*, 49 (2): 139–158.
- Mehrani, S. , noruzi, S. (2015). Examining the effect of corporate governance on the relationship between firm value and earnings management. *Accounting Empirical Research of Financial*, 2 (3) , 105-122. (In Persian)
- Mohammadi Khashuee, H. , Rajabi, R. (2009). Agency Costs & Independent Audit Services Pricing. *Journal of the accounting and auditing review*, 15 (4) , 35-52. (In Persian)
- Morgan, J. , and P. Stocken. (1998). the effects of business risk on audit pricing. *Review of Accounting Studies*. 3: 365–385.
- Newton, G. W. (1998). Bankruptcy insolvency Accounting practice and procedure 1: Wiley, pp21. 41.
- O'Keefe, T. , D. Simunic, and M. Stein. (1994). the production of audit services: Evidence from a major public accounting firm. *Journal of Accounting Research*, 32: 241–261.
- O'Malley, S. (1993). Legal liability is having a chilling effect on the auditor's role. *Accounting Horizons*, 7: 82–87.
- Palmrose, Z. -V. (1987). Litigation and independent auditors: The role of business failures and management fraud. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 6: 90–102.
- Rashidi Baqhi, M. (2015). Review Audit Fee Stickiness. *Journal of the accounting and auditing review*. 21 (4) , 431-448. (In Persian)
- Rosenstein, S. and Wyatt, J. C. (1990). Outside directors, board independence and shareholder wealth. *Journal of financial economics*, 26 (2): 175-91.
- Schmidt, K. (1997). Managerial incentives and product market competition. *Review of Economic Studies*, 64: 191–213.
- Setayesh, M. , Kazemnejad, M. (2010). Disclosure in accounting. *Hesabdar*, 227, 66-69. (In Persian)
- Setayesh, M. , Mansouri, S. (2014). The comparative investigation of corporate governance mechanisms in financial distressed and non financial distressed listed companies of Tehran Stock Exchange. *Financial Research*, 16 (1) , 99-112. (In Persian)

- Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research*, 18 (1): 161–190.
- Singh, M. & Davidson, W. N. (2003). Agency costs, ownership structures and corporate governance mechanisms. *Journal of Banking and Finance*, 27 (5): 793-816.
- Venkataraman, R. , J. Weber, and M. Willenborg. (2008). Litigation risk, audit quality, and audit fees: Evidence from initial public offering. *The Accounting Review*. 83: 1315–1345.
- Wang, Y. , and Chui, A. (2015). Product Market Competition and Audit Fees. *A journal of practice and theory*, 139-156.

Corporate Governance and The Relation between Product Market Competition and Audit Fees

Mohammad Moradi*, Fatemeh Mohaghegh**

Received : 2016/10/14

Approved: 2017/01/23

Abstract

The aim of this study is to investigate the impact of corporate governance on the relationship between product market competition and audit fees. TOPSIS method is used to make a ranking index of firms based on corporate governance. The index includes six factors: board of director size, board independence, CEO tasks duality, institutional ownership, ownership concentration and independent auditors. The sample includes firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE) and Iran Fara Bourse (IFB) market during 2009 to 2014. Findings indicate that there is a positive significant relationship between product market competition and audit fees and corporate governance mechanisms have the reverse effect on this relation and reduce the strength of this relationship.

Keywords: Product Market Competition; Audit Fees; Corporate Governance.

Jel classification: M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12157.1469

* Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, corresponding author, (moradimt@ut.ac.ir).

** Ph.D Student of University of Tehran (College of Farabi), (mohaghegh71@ut.ac.ir).